

۱۷۲۵۴

# خبر مستدان در قرآن از نگاه امام موسی کاظم (ع)

فصلنامه مطالعاتی

عضویت علمی حوزه علمیه قم و استنادهای سطوح مختلف حوزه

## چکیده :

بررسی اندیشه‌های تفسیری امامان معصوم (علیهم‌السلام) و دریافت معارف ناب قرآنی از حکمت‌های ژرف آنها، زمینه‌ای است تا معارف قرآنی اهل بیت عصمت و طهارت در صدف کتابها و گنجینه کتابخانه‌ها نهفته نماند و با آشکار شدن آنها اندیشه‌های عطشناک از مخازن بی بدیل علوم و معارف قرآن بهره‌مند و سیراب گردد و گل‌های معرفت در بوستان با طراوت معنویت و محضر پرفیض ارباب عصمت و طهارت شکوفا گردد و جلالت شهد جانپروور آن نجیب رهپویان حیات طیبه قرآنی بر مذاق جان آنان بنشیند.

کریم را تلاوت و تفسیر نموده‌اند که با توجه به متن روایت عناوین آیات بدین ترتیب قابل طرح است. آیات بشارت، آیات معرفت، آیات اشتیاق به جهان آخرت، آیات بیم و انذار، آیات عقل و علم، آیات مذمت جهل و بی‌خردی، آیات مدح و ذم، افکار و اعمال مردم، آیات خردمندی و حکمت که به توفیق الهی این آیات وحیانی و تفسیر امام کاظم (ع) ارائه می‌گردد.

## کلید واژه:

امام کاظم (ع)، شیوه تفسیری امام، نکات تفسیری امام در روایت هشام.

قرآن ناطق امام موسی بن جعفر (ع) نهمین مفتاح معصوم قرآن از چهارده معصوم حضرت امام کاظم (ع) می‌باشد آن حضرت در روز یکشنبه هفتم ماه صفر سال ۸۲۱ ق/ ۵۰: در ابواء (نزدیکی مدینه) به دنیا آمد دوران امامت ایشان مقارن با سال‌های آخر خلافت منصور دوانیقی و دوره خلافت هادی و سیزده سال از دوران خلافت هارون الرشید بود. امام کاظم (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام صادق (ع) از حدود ۲۱ سالگی به امامت رسید و به مدت سی و پنج سال امامت آن حضرت به طول انجامید. امام کاظم (ع) در پی سیاست ستمگانه خلفای عباسی از ۴ تا ۱۴ سال در تبعید و

بر این اساس سلسله مقالات مستقل با عنوان معارف قرآن در مکتب تفسیری اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) آماده گشته و در هر مقاله نکات تفسیری یکی از امامان معصوم (ع) به خوانندگان قرآن دوست تقدیم می‌گردد. در این مقاله روایتی از امام موسی بن جعفر (ع) که به به هشام بن حکم بغدادی از متکلمان برجسته و از اصحاب سز امام بوده مطرح گردیده است. این روایت قرآنی در تحف العقول (چاپ جامعه مدرسین) بحار الانوار (کتاب العقل و الجهل) (جلد اول چاپ تهران) و اصول کافی (کتاب العقل و الجهل) (جلد اول آمده است و روایتی مستند بشمار می‌رود.

امام کاظم (ع) در این روایت ۲۰ آیه از آیات قرآن

از طریق پسر است نه دختر و شما فرزندان دختر او هستید؟ امام در پاسخ از او خواست که از این سؤال صرفنظر کند، ولی هارون اصرار کرد و گفت: به هیچ وجه صرفنظر نمی‌کنم، زیرا شما معتقدید به اینکه همه چیز در قرآن مجید هست و باید از قرآن آیه‌ای در این باره شاهد بیاورید.

زندان و سیاه‌چال‌های بغداد در غل و زنجیر به سر می‌برد. <sup>۲</sup> ایشان به تلاوت قرآن انس زیادی داشته و آن را با صدایی حزین و خوش تلاوت می‌کرد به اندازه‌ای که مردم در اطراف خانه آن حضرت گرد می‌آمدند و از روی شوق و رقت گریه می‌کردند. <sup>۳</sup>

از امام کاظم (ع) روایات تفسیری و قرآنی متعددی نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

■ امام فرمود: (بسم الله الرحمن الرحيم و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و کذلک تجزی المحسنین، و زکریا و یحیی و عیسی...) سپس سؤال فرمودند: ای هارون، پدر عیسی کیست؟ هارون گفت: عیسی پدر نداشت، حضرت فرمود: بنابراین اگر او ملحق به ذریه پیامبر از طریق حضرت مریم می‌باشد، ما نیز ملحق به ذریه رسول الله (ص) از طریق مادرمان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) هستیم. <sup>۱۰</sup>

■ حصص گفته است: از امام هفتم (موسی بن جعفر (ع) شنیدم که به مردی فرمود: آیا بقای در دنیا رادوست داری؟ آن مرد گفت: آری، امام فرمود: برای چه؟ گفت برای قرائت (قل هو الله احد). امام کاظم (ع) پس از لحظاتی سکوت فرمودند: ای حصص، هر کس از اولیاء و شیعیان ما بمیرد و قرآن را نیکو نداند، در قبرش قرآن را بدو تعلیم می‌نمایند تا خداوند درجه‌ی او را به علم قرآن بالا ببرد. چرا که درجات بهشت بر قدر آیات قرآن است. به او می‌گویند بخوان قرآن را و بالا برو. پس می‌خواند و بالا می‌رود. <sup>۴</sup>

■ شیوه تفسیری امام موسی بن جعفر (ع):

■ در روایت دیگر آمده است امام کاظم (ع) فرمود: (من استکفی بأیه من القرآن من المشرق الی المغرب کفی، اذا کان بیقین) یعنی هر که از مشرق تا مغرب، به آیه‌ای از قرآن کفایت طلبد، برای او کافی است، بدان شرط که با یقین باشد. <sup>۵</sup>

تفسیر در لغت و اصطلاح معارف دینی به معنای کشف و اظهار و پرده‌برداری از معنای کلام الله (آیات و حیاتی قرآن کریم) می‌باشد. <sup>۱۱</sup> و از آنجا که قرآن بهار دل‌ها، شفای دردها، سرچشمه‌ی دانش‌ها و زداینده تیرگی‌هاست و کتاب هدایت و حیات طیبه است بایستی آن را شناخت و در زوایای آن کند و کاو کرد تا به ژرفا و درونمایه‌اش راه یافت و برای همین قرآن کریم ما را دعوت به تدبر و اندیشیدن و مطالعه و تفکر در آیات تشویق و ترغیب فرموده و کسب رهنمودهای قرآن را شیوه خردمندان دانسته است. <sup>۱۲</sup> حضرات معصومین از جمله امام کاظم (ع) بعنوان قرآن «ناطق و سند قرآن» به توضیح و تفسیر آیات قرآن کریم پرداخته و بر انس روز افزون مردم با قرآن و فهم و درک صحیح از آیات و بکارگیری دقیق آنها در زندگی اهتمام وافر داشته‌اند. دو روش تفسیری معمول اهل بیت عصمت و طهارت که در مکتب تفسیری امام موسی کاظم (ع) هم وجود داشته است یکی تفسیر قرآن به قرآن بوده که روش پیامبر اکرم (ص) بوده و آن حضرت برای تبیین آیه‌ای از آیه‌ی دیگر کمک می‌گرفتند و این روش بعنوان بهترین روش و منحصرترین روش در سیره‌ی تفسیری اهل بیت (ع) مطرح بوده است <sup>۱۳</sup> و دیگر روش، روش اجتهادی است. که علاوه بر سیصد آیه‌ی قرآن که انسان را دعوت به تعقل و تفکر و تدبر می‌نماید. <sup>۱۴</sup>

■ در روایتی دیگر این چنین آمده است که حضرت دستان خویش را می‌شستند و غلام بر دستان آن حضرت آب می‌ریخت. ناگهان گوشه ابریق بر سر آن حضرت خورد. ایشان به غلام نگریستند غلام گفت: (والکاظمین الغیظ) حضرت فرمود: (کظمت غیظی خشم خود فرو بردم) غلام گفت: (والعاقین عن الناس) و امام فرمود: (عفوت عنک) عفو کردم از تو، غلام گفت: (و الله یحب للمحسنین) امام فرمود: (اعتقتک) آزادت کردم. <sup>۶</sup>

از امام موسی بن جعفر (ع) درباره‌ی آیه‌ی (الرحمن علی العرش استوی) سؤال شد. امام (ع) فرمودند: (استولی علی ما دق و جل) یعنی استیلای کامل بر هر ریز و درشت و خرد و کلان دارد. <sup>۸</sup>

■ همچنین در روایت آمده است که امام موسی بن جعفر (ع) با هارون الرشید مذاکره‌ای طولانی داشت. هارون از آن حضرت پرسید: چگونه شما می‌گویید ما ذریه پیامبریم، در حالی که پیامبر پسری نداشت و نسل

روش عملی پیامبر و اهل بیت پیامبر (صلوات الله

# کتاب فصلنامه

و آبی که خداوند از آسمان فرو فرستاد و با آن زمین را پس از مردنیش زنده ساخت و در آن هر جنده‌ای را برپاکننده ساخت و در گرائیش مسیر وزش بادها و آبری که میان آسمان و زمین به خواست او تسخیر شده در همه‌ی اینها نشانه‌هایی روشن از یکتایی و قدرت آفریدگار هستی است برای کسانی که خود خویش را به کار می‌گیرند و در آیات الهی تعقل می‌کنند.

### ■ آیات معرفت خردمندان:

ای هشام! خداوند عزوجل این همه آیات و نشانه‌ها را ارائه فرموده است تا مردمان او را بشناسند و بدانند تدبیرگری دارند و کسی هست که کار ایشان را تدبیر کند. خداوند فرموده است: (و سخر لکم اللیل و النهار و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بأمره إن فی ذلک لآیات لقوم یعقلون) <sup>۲۱</sup> و خدای توانا شب و روز را برای شما مستقر و خورشید و ماه و ستارگان را برای شما مسخر گردانید و رام ساخت. بی‌تردید در این تسخیر برای کسانی که خرد خویش را به کار می‌گیرند نشانه‌هایی است (چرا که تسخیر کننده این اجرام بزرگ کیهانی را تدبیرگری دانا، توانا و فرزانه می‌دانند)

و همچنین خداوند فرموده است (حامیم و الکتاب المبین إنا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون) <sup>۲۲</sup> (حا، میم) سوگند به این کتاب روشن و روشنگر که راه نیک بختی و رستگاری است ما آن را قرآنی به واژه و زبان عربی پدید آوردیم، باشد که شما مردم خرد خویش را به کار گیرید.

و همچنین خداوند فرموده است: (و من آیاته یریکم البرق خوفا و طمعا و ینزل من السماء ماء فیحیی به الأرض بعد موتها إن فی ذلک لآیات لقوم یعقلون) <sup>۲۳</sup>

و از نشانه‌های اوست که آذرخش را که مایه‌ی بیم است از برخورد ابرها پدیدار ساخته و آن را مایه‌ی امید به ریزش باران زندگی‌ساز است به شما می‌نماید، و آبی و آبی از آسمان‌ها به صورت برف و باران فرود می‌آورد و زمین را پس از (خزان‌زدگی) و مردنش به وسیله آن زنده می‌کند و طراوت می‌بخشد بی‌تردید در این تدبیرهای حکیمانه نیز برای مردمی که خرد خویش را به کار می‌گیرند نشانه‌هایی است.

علیهم اجمعین) در باب تفسیر قرآن است که با تفسیرهای اجتهادی خود نشان داده‌اند که چگونه می‌توان در آیات الهی تدبیر و ژرف نگری در کلمات بی‌همتای الهی نمود و قواعد فهم صحیح را در تفسیر به کار برد و خود را در غالب الفاظ محبوس نکرد. <sup>۱۵</sup> آنان با استناد به واژگان، قواعد ادبی، استناد به سیاق جمله، استظهار از آیات دیگر و چیدن چند آیه‌ی هم مضمون در کنار هم و بالاخره بهره‌گیری از کلمات عقلی بایه‌های صحیح تفسیر اجتهادی را نشان داده‌اند و تأویلات تفسیری امام کاظم(ع) نیز این چنین بوده است <sup>۱۶</sup> و آن حضرت با فرمایشات خود مشخص ساخته است که کجا، جای تفسیر و کجا برداشت از سخنان ظاهری کلام و کجا جای ترجمان کلام می‌باشد و لازم است. <sup>۱۷</sup>

■ نکات تفسیری امام کاظم(ع) در روایت هشام ابن حکم: (آیات بشارت به خردمندان)

■ ای هشام خداوند تبارک و تعالی: انسان‌های عاقل و فهیم (خردمندان) را در کتاب خویش این چنین بشارت داده و فرموده است: (بشیر عباده الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الالباب) <sup>۱۸</sup>

بندگان من همانان هستند که به سخنان و دیدگاه‌ها گوش فرا می‌دهند. آن‌گاه از نیکوترین و زیباترین آن پیروی می‌کنند، ایشان هستند که خدا راهشان نموده و ایشان همان خرد ورزان و صاحبان عقل می‌باشند. خداوند عزوجل (عزیز، توانا و با شکوه) با موهبت خود، حجت را بر مردمان تمام کرده، بیان و تبیان آسمانی فرو فرستاده و آنان را با دلیل و برهان به ربوبیت و خداوندی خویش رهنما شده و فرموده است: (و إلهکم إله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم) <sup>۱۹</sup>

و خدای شما، آفریدگاری یکتا و بی‌همتاست که جزء و نظیر ندارد و برای پرستش بی‌همتاست و به صفاتی که وصف می‌شود جز او را نمی‌توان وصف کرد. جز او خدایی نیست و اوست بخشایشگر مهربان (آن فی خلق السموات و الأرض و اختلاف اللیل و النهار). الی قوله (لآیات لقوم یعقلون) <sup>۲۰</sup>

براستی که در آفرینش پدید آوردن خلاقانه آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت منظم شب و روز، و در جریان رفت و آمد کشتی‌ها که در دریا به سود مردم روان هستند

■ آیات اشتیاق خردمندان به جهان آخرت:

خردمندی و دانشمندی:

ای هشام! خداوند تبیین فرموده که کمال خردمندی و عقل به کسب علم و دانش است و افزایش خردمندی و پیش به هنگامی است که همراه و همپای دانش است آنجا که فرموده و تلك الامثال نضربها للناس و ما يعقلها، الا العاكفون<sup>۲۷</sup>

این مثال‌هایی را که در قرآن آمده است برای مردم می‌زنیم و به روشنی بیان می‌کنیم تا بدینوسیله آنان را به سوی خدای یکتا و تدبیرگر بی‌همتای جهان راهنمایی کردیم و با معرفت بخشی و آگاهی دهی به آنان بدین سان آنان را از پلیدی و بدبختی بگریزانی و گشتی در برابر خدایان دروغین و شرک‌گرایی بخشیم و به آرزوی و آگاهی و افتخار بندگی خدای دانا و توانا برسانیم اما تنها دانشمندان و دانشوران راستین هستند که این مثال‌ها را در می‌یابند، نه دیگران.

ای هشام! پس آنگاه خداوند خردمندان و فرزندان را اندرز داده و به جهان آخرت مشتاقشان کرده و فرموده است: وما للحیات الدنیا الا لعب و لهو و للدار الآخرة خیر للذین یعقلون افلا تعقلون<sup>۲۴</sup>

زندگی دنیا (آنطور که کفرگرایان را تنها زندگی می‌دانند) جز بازی و سرگرمی نیست مگر اینکه وسیله و راهی برای رسیدن به نیک بختی و انجام کارهای شایسته باشد و زندگی و سرای آخرت و جهان دیگر با نعمت‌های شکوه بارش برای کسانی که پروا و پرهیزگاری پیشه کنند بهتر و مطلوب‌تر است آیا خرد خویش را به کار نمی‌گیرند؟ چرا که آنجا جاودانه است و شایسته گان همواره از لطف و نعمت‌های خدا بهره‌ور خواهند شد.

و همچنین خداوند فرموده است: (و ما اوتیتم من شیء فمتاع الحیاة الدنیا زینتها و ما عندنا خیر و ابقی افلا تعقلون)<sup>۲۵</sup>

و آنچه به شما داده شده است، کالای فناپذیر زندگی دنیا و زر و زیور آن است اما آنچه نزد خداست نعمت‌های سرای جاودانه است که بهتر و پاینده‌تر است، پس آیا خرد خویش را به کار نمی‌گیرید تا تفاوت میان این دو را دریابید؟

■ نکوهش نابخردان:

ای هشام! خداوند آنان که خردستیزانه به عقل خدا خواه خود پشت پا زده و در آیات الهی اندیشه و تفکر نمی‌کنند را نکوهیده و فرموده است:

(و انا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا قبل تتبع ما القینا علیه اباننا اولو کان آباؤهم لا یعقلون شیئا و لا یهتدون)<sup>۲۸</sup>

و هنگامی که به آنان گفته شود از آنچه خدا فرو فرستاده است پیروی کنید می‌گویند: نه بلکه از چیزی که پدران خویش را بر آن یاقیم پیروی می‌کنیم. آیا با وجود اینکه پدران آنان چیزی را درک نکرده و راه نیافته‌اند آیا هم اینان باید از آنان پیروی کنند!

و همچنین خداوند فرموده است ان شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون<sup>۲۹</sup>

بدترین جنیندگان و جانوران در پیشگاه خدا آن موجودات کرونگی هستند که خود را به نفهمی می‌زنند و خرد خویش را به کار نمی‌گیرند؟ به عبارت دیگر بدترین موجودات در پیشگاه خداوند آن شرک‌گرایانی هستند که حق را می‌شنوند اما از آن سودی نمی‌برند و به آن اقرار و اعتراف نمی‌کنند و آن را باور نمی‌دارند، آنان بدترین‌ها نزد خداوند.

و همچنین خداوند فرموده است:

■ آیات بیم دادن به خردمندان:

ای هشام! پس آن‌گاه خداوند خردمندان را متذکر شده و آنان را که از عذاب الهی نمی‌اندیشند بیم داده است و فرموده است (ثم دمرنا الآخیرین و انکم لتمرون علیهم مصبحین و باللیل افلا تعقلون)<sup>۲۶</sup>

هان ای شرک‌گرایان شما که بامدادان و شامگاهان و در سفرهایتان از کنار شهرهای ویران شده و خانه‌های منهدم گشته سرکشان و تبهکاران که به خاطر اعمالشان آنان را درهم کوبیدیم و نابود ساختیم می‌گذرید و شهرها و روستاهای ویران شده آنان را می‌بینید چرا به خود نمی‌آید و چرا خرد خویش را به کار نمی‌گیرید و در عذاب ویرانگری که بر اقوام کفر پیشه و حق‌ستیز وارد ساخته‌ایم اندیشه نمی‌کنید.

(و لکن سألتم من خلق السموات و الارض  
لیقولن الله قل الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون) ۳۰

و اگر از آنان بپرسی که چه کسی این آسمانها  
و زمین را آفریده است؟ خواهند گفت: خدا پیامبر  
به آنها بگو: ستایش از آن خدا است اما بیشترشان  
نمی دانند.

■ نکوهش ناسپاسان و مدح سپاسگزاران  
خردمند:

ای هشام! خداوند (جل و علا) بیشترین مردم را به  
جهت ناسپاسی نکوهش نموده و فرموده است: (و ان  
طلع اکثر من فی الارض یضلوك من سبیل الله) ۳۱

و اگر از بیشتر کسانی که در این سرزمین هستند  
پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می سازند. آنان  
تنها از پندارهای خود و دیگران پیروی می کنند و  
تنها به حدس و گمان می پردازند.

و همچنین خداوند فرموده است (و لکن اکثرهم لا  
یعلمون) ۳۲ و (اکثرهم لا یشعرون)

و کفرگرایان گفتند: چون آیات و معجزات خدای تو  
دلخواه ما نیست پس به پروردگارت بگو: معجزه ای  
دیگر بفرستد ای پیامبر بگو (خدا تواناست که معجزه  
و نشانه ای دیگر فرو فرستد اما بیشتر اینان نمی دانند  
که اگر آن معجزه هم برسد باز هم گستاخی و و  
خیره سری می کنند و ایمان نمی آورند.

ای هشام! خداوند (جل و علا) قلیلی از مردم را  
ستوده و آنان را بندگان شکر گذار خود قلمداد نموده  
و فرموده است (و قلیل من عبادی الشکور) و اندکی از  
بنندگان من سپاسگزارانند. ۳۳

و همچنین فرموده است (و قلیل ما هم) کسانی  
که به راستی ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده  
و شاکر و آموزش خواه درگاه خدا هستند بسیار اندک  
هستند. ۳۴

و همچنین فرموده است (و ما آمن مع الا قلیل) و  
ایمان نیاوردند جز تعداد اندکی ۳۵

■ آرایه ی خردمندان:

ای هشام! آن گاه  
خداوند، خردمندان (شاکر) را  
به نیکوترین شیوه ها یاد کرده  
و به زیباترین آرایه ها آراسته

است و فرموده است: (یؤتی الحکمة من یشاء و من یؤت  
الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا و ما یذکر الا اولوا الالباب)  
و خدای پر مهر، دانش و فرزانی را به هر که بخواهد،  
ارزانی می دارد و به آن که حکمت ارزانی شود، براستی  
خیری فراوان عطا شده است. ۳۶

ای هشام! خداوند فرموده است (و ان فی ذلک  
لذکر لمن کان له قلب) ۳۷ در این سخن برای آن کس  
که دلی زنده دارد پند و راهنمایی هست) و مراد خداوند  
از [ادل زنده] عقل و خرد است و همچنین خداوند فرموده  
است (و لقد آتینا لقمان الحکمة) و لقمان را حکمت و  
فرزانی دادیم) و مقصود از حکمت و فرزانی، بینش  
و خرد است. ۳۸

■ گفتار خردمندان:

ای هشام! خداوند عز و جل از مردمان نیکوکار و  
خردمند چنین حکایت کرده است که گفته اند: (ربنا  
لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک  
انت الوهاب)

پروردگارا! پس از آنکه ما را هدایت فرمودی و راه را  
تشانمان دادی، دلهايمان را از حق منحرف مساز و  
به باطل و بیداد متمایل مگردان (درخواست نخست  
راسخان در علم و خردمندان مؤمن، در هدایت و  
ایمان و پایداری در راه خدای پر مهر و بخشایش  
اوست) ۳۹

خردمندان می دانستند که دلها و جانها گمراهی  
می گیرد و انحراف می یابد و به ناپیایی و پستی باز  
می گردد. آن که از خداوند آندیشه نکند، بیم او در دل راه  
نمی دهد و آن که از خداوند آندیشه نکند، دل به شناخت  
و معرفتی استوار که ببیند و راستی و حقیقت آن را در  
جان خویش بیابد، نمی بندد و هیچ کس چنین (صاحب  
معرفت) نمی شود مگر آنکه گفتار و کردارش یکسان  
باشد و آشکار و نهانش یکسو. چرا که خداوند آدمیان را  
به خردی پوشیده و پنهان راهنما نشده و آنان را خردی  
بیدا و گویا بخشیده است.



ای هشام! امیرمؤمنان علی (ع) می فرمود: کسی باید در صدر امور باشد که سه ویژگی داشته باشد؛ هرگاه از او سؤالی و درخواستی کنند پاسخ دهد و هرگاه دیگران از سخن باز مانند سخن گوید و به رأی و اندیشه‌ای اشاره کند که صلاح و راستی مخاطبان باشد و هرکس هیچ یک از این سه ویژگی را نداشته نابخرد و احمق است. و حسن بن علی (ع) فرموده است: نیاز و حاجت به آستان (اهل خرد) بپرید. گفتند: ای فرزند پیامبر خدا (ع) اهل خرد چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان که خداوند در کتاب خویش قصه آنان گفته و یاد آنان کرده و فرموده است (انما یتذکر اولوالالباب)<sup>۴۰</sup> کسانی که می‌دانند با آن کسانی که نمی‌دانند یکسان نیستند و خردمندان هستند که به خود می‌آیند و پند و اندرز می‌گیرند.

بی نوشت

- ۱- تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی (جامعه مدرسین) ص ۲۸۲.
- ۲- دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ۲۶۳-۲۶۴.
- ۳- احمدی بیرجندی، چهارده اختر تاناک، ص ۱۷۲-۱۸۰.
- ۴- کافی، ج ۲، ص ۴۴۳ و وافی، ج ۵، ص ۲۶۲.
- ۵- همان، ج ۲، ص ۶۲۳.
- ۶- شیخ ابوالفتح رازی، تفسیر رازی، ج ۵، ص ۷۲.
- ۷- سوره طه، آیه ۵.
- ۸- تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۰۴.
- ۹- سوره انعام، آیه ۸۴ - در ادامه آیهی آمده (و من ابائهم و ذریاتهم) - آیهی ۸۷.
- ۱۰- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۳۸.
- ۱۱- دائرة المعارف اسلام (ترجمه‌ی عربی) (ماده تفسیر).
- ۱۲- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، جلد اول، ص ۶۳۶.
- ۱۳- همان، ص ۶۳۸.
- ۱۴- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۳۵۴-۳۵۶.
- ۱۵- نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۲۵، حدیث ۱۴۶ و جلد ۳- ص ۳۶۷.
- ۱۶- شیخ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۴.
- ۱۷- دائرة المعارف الاسلامیه، الشیعیه، ج ۲، ص ۴۷ مقاله (تفسیر) شهید آیت الله سیدمحمدباقر صدر (م ۱۴۰۲ ق)
- ۱۸- سوره زمر، آیه ۱۹.
- ۱۹- سوره بقره، آیه ۱۶۲.
- ۲۰- سوره بقره، آیه ۱۶۳.
- ۲۱- سوره نحل، آیه ۱۲.
- ۲۲- سوره زخرف/۴۳: آیات ۱، ۲ و ۳.
- ۲۳- سوره روم آیه ۲۴.
- ۲۴- سوره انعام آیه ۲۲.
- ۲۵- سوره قصص آیه ۶۰.
- ۲۶- سوره صافات آیات ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸.

- ۲۷- سوره عنکبوت آیه ۴۳.
- ۲۸- سوره بقره آیه ۱۷۰.
- ۲۹- سوره انفال آیه ۲۲.
- ۳۰- سوره لقمان آیه ۲۵.
- ۳۱- سوره انعام آیه ۱۱۶.
- ۳۲- همان آیه ۳۷.
- ۳۳- سوره سباء آیه ۱۳.
- ۳۴- سوره ص، آیه ۲۴.
- ۳۵- سوره هود آیه ۴۲.
- ۳۶- سوره بقره آیه ۲۷۲.
- ۳۷- سوره قاف آیه ۳۶.
- ۳۸- سوره لقمان آیه ۱۱.
- ۳۹- سوره آل عمران آیه ۷.
- ۴۰- سوره زمر آیه ۱۲.